

تحلیل مشخصه‌های اجتماعی-اقتصادی عشایر استان چهارمحال و بختیاری

طی سه دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰

*معصومه کی‌باندی ناشلیل *نبی اله یارعلی

*حجت‌الله خدری غریب‌وند *عطاالله ابراهیمی

*صالح کهیانی

چکیده

زندگی عشایری به عنوان یکی از نظامات اجتماعی جامعه بشری، با وجود نقش به‌سزایی که در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارد با چالش‌های متعددی مواجه است. در این راستا، آگاهی از مسایل و مشکلات مرتبط، برای برنامه‌ریزی و تدوین سیاست‌های مناسب ضروری است. در این تحقیق برخی متغیرهای اجتماعی-اقتصادی از جمله جمعیت، تعداد و نوع دام، سوخت مصرفی، صنایع دستی و اراضی تحت تصدی عشایر استان چهارمحال و بختیاری طی سه دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ مورد بررسی قرار گرفتند. آمار و اطلاعات به روش اسنادی و کتابخانه‌ای از داده‌های سرشماری‌های اجتماعی-اقتصادی عشایر در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ در آرشو مرکز آمار ایران استخراج شد. نتایج نشان داد عوامل اقتصادی-اجتماعی در بخش بیلاق بیشتر از قشلاق عشایر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، جمعیت و تعداد خانوارها و میزان مصرف سوخت خانوارهای عشایر استان در محل بیلاق و قشلاق از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۸۷ روند کاهشی داشته است. ضمن اینکه، اراضی تحت کشت سالانه دارای بیشترین سطح مورد استفاده خانوارهای عشایری نسبت به سایر انواع استفاده از اراضی است. تحول نظام‌های سنتی دامداری با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی، تقویت زیرساخت‌های فراوری تولیدات، ساماندهی زنجیره تولید تا فروش صنایع دستی، تشکیل و تقویت نهاد‌های محلی می‌توانند در راستای پایداری جامعه عشایری و منابع زیست محیطی عمل کنند که از طریق ظرفیت‌سازی و توانمندسازی عشایر و آموزش‌های مداوم و نظارت مستمر قابل پیگیری و تحقق است.

کلیدواژه‌ها: اقتصادی-اجتماعی، بیلاق، قشلاق، زندگی عشایری، چهارمحال و بختیاری.

*دانش آموخته رشته علوم جنگل دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. masoumeh.ky.73@gmail.com

*دانشیار گروه علوم جنگل دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. abiollah.yarali@sku.ac.ir

*استادیار گروه مهندسی طبیعت دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. h.khedri@sku.ac.ir

*دانشیار گروه مهندسی طبیعت دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. ataollah.ebrahimi@gmail.com

*استادیار گروه علوم جنگل دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. sa.kahyani@gmail.com

مقدمه

از گذشته‌های دور در ایران، سه شیوه‌ی زندگی عشایری، روستایی و شهری متداول بوده است. جامعه‌ی عشایر ایران همراه با جوامع شهری و روستایی، در طول تاریخ نمود شیوه‌های مختلف زندگی در کشور بوده‌اند و هرکدام در شرایط مختلف زمانی و مکانی، نقش ویژه‌ای را در حیات اجتماعی کشور ایفا نموده‌اند (حاجتی، ۱۳۷۴). عشایر گروهی از مردم با نوع زندگی اجتماعی و سازمان تولیدی خاص می‌باشند که اساس معیشت آنها بر کوچ و جابه‌جایی خانوارها و دام‌ها استوار بوده است (امیر عضدی، ۱۳۸۶). پدیده کوچ نوعی هماهنگی و سازش انسان با محیط طبیعی است و مهمترین ویژگی زندگی کوچ نشینان، حرک و جابه‌جایی برای تأمین نیازمندیهای زندگی است. در واقع زندگی کوچ نشینی یک نوع امرارمعاش و بالطبع یک مسئله فرهنگی است که شیوه زندگی خاصی را معرفی می‌کند (خالقی و سیدنظری ۱۴۰۱). عشایر، علی‌رغم آن که در طول تاریخ ایران نقش موثری ایفا کرده‌اند به مرور زمان اهمیت خود را از دست داده‌اند و سهم جمعیتی آنها تقلیل پیدا کرده است (بهشتی، ۱۳۷۸). خدري و همکاران (۱۴۰۱) در تحلیل جمعیت و تغییرات معیشتی عشایر نشان دادند سهم جمعیت عشایر از ۳۸/۶ در سال ۱۲۴۵ به ۱/۶۸ در سال ۱۳۸۷ کاهش یافته است؛ با این وجود هرچند در طول دوره ۱۵۰ سال مورد بررسی سهم عشایر روند کاهش داشته است با این وجود سطح مطلق جمعیت عشایر تقریباً ثابت مانده است.

زندگی عشایری و شیوه کوچ‌نشینی به عنوان اولین نظام اجتماعی جامعه بشری، با وجود نقش به‌سزایی که در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارد با چالش‌های متعددی مواجه‌اند که این شیوه را به سمت زوال و افول سوق داده است (امان الهی بهاروند ۱۳۹۷؛ دهقانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ شکور و همکاران، ۱۳۹۵). در میان سه جامعه غالب، زندگی جامعه عشایری در ایران همچون سایر کشورها، به علل گوناگون بیش از دو گونه دیگر دستخوش تغییر و دگرگونی شده است (رستم پور و افشار، ۱۳۶۳). در حال حاضر، یکی از مشکلات بارز، زوال تدریجی کوچ‌نشینی در

ایران است که از جمله علل عمده‌ی این فروپاشی انقلاب صنعتی و اثرات آن، نفوذ فرهنگ غرب در ایران، اسکان اجباری، فروپاشی ساختار قدرت سیاسی در ایلات، انتقال قدرت ایلات به نمادهای دولتی شمرده شده است (امان الهی*، ۲۰۰۳). در این راستا، بلنچ[†] (۲۰۰۱) پیشرفت‌های کشاورزی، حصارکشی اراضی، خصوصی‌سازی (در آسیای مرکزی)، گسترش دامداری پیرامون شهری (در هند، جنوب و شرق آسیا) و فرصت‌های اقتصادی جایگزین را به عنوان دلایل اصلی زوال و کاهش شیوه کوچ‌نشینی در سراسر جهان ذکر کرده است.

اساس زندگی عشایر کوچ‌نشین بر پایه دامداری است که توأم با آن به فعالیت‌های دیگری چون ساخت صنایع دستی، زراعت و فعالیت فرعی در کنار دامداری اشتغال دارند (شاطری و باقی پور[‡]، ۲۰۱۰). دامداری شیوه معیشت چندین میلیون دامدار در بیش از صد کشور است که در مراتع جهان که بین ۲۵-۴۰ درصد سطح زمین را اشغال می‌کنند به تولیدات دامی با بیش از یک میلیارد دام به این حرفه اشتغال دارند (سکونز[§]، ۲۰۲۱). دام عشایر به عنوان ذخیره ژنتیکی دام کشور از قابلیت اجتماعات عشایری است (اداره مطالعات و برنامه‌ریزی استان، ۱۳۹۰). دام مهم‌ترین عامل در اقتصاد کوچ‌نشینی است به عبارت دیگر اقتصاد دامداری اساس زندگی کوچ‌نشینی را تشکیل می‌دهد. زیرا اولاً دام منبع غذایی عشایر می‌باشد، ثانیاً قسمت اعظم ملزومات زندگی اعم از قالی، جاجیم، انواع مشک‌ها و کیسه‌های مختلف، طناب‌ها و البته عشایری از فرآورده‌های دامی تهیه می‌شوند (رضائی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۶۹) دام سرمایه اصلی کوچ‌نشینان قلمداد می‌شود که حدود ۱۳/۲ درصد گوشت قرمز و ۳۵ درصد صنایع دستی کشور را تامین می‌کند (محبی**، ۲۰۱۲).

*. Amanullahi

†. Blench

‡. Shatri and hagipor

§. Scoones

** . Mohebi

در گذشته دام جزء جدایی‌ناپذیر زندگی کوچ‌نشینی بوده و ارزش و منزلتی نزد کوچ‌نشینان داشته است و افرادی در ایل معروف بودند که تعداد دام بیشتری داشتند؛ اما امروزه به عنوان یک فعالیت مکمل و حتی کم‌ارزش‌تر از کشاورزی تبدیل شده است. امروزه باغداری و زراعت نقش مهمی در اقتصاد خانوار عشایری ایفا می‌کنند. می‌توان گفت در حال حاضر، تغییر در ساختار اقتصادی جامعه‌ی عشایر منجر به تغییر در دیگر اجزای این سیستم شده و کارکردهای آن را از گذشته متفاوت‌تر کرده است. بطوریکه، امروزه مهم‌ترین کارکرد چشم‌انداز مناطق عشایری تولیدات دامی نیست و فعالیت‌های خدماتی و کشاورزی و دامداری به عنوان مکمل آن عمل می‌کنند (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۴). اگرچه دامداری شغل اصلی و منبع درآمد عشایر محسوب می‌شود صنایع دستی نیز می‌تواند یک منبع درآمد مناسب برای عشایر باشد ولی بیشتر وابسته به دام آن‌هاست و به عنوان فعالیت مکمل دامداری و زراعت که در فرهنگ و اقتصاد کوچ‌نشینان ریشه عمیق دارد بخشی از درآمد آن‌ها را تشکیل می‌دهد (مشیری و مولایی، ۱۳۸۶).

صنایع دستی از خواص ملتی برای برآوردن نیازهای مادی و معنوی خود به وجود آمده که علاوه بر کارایی در برآوردن نیازهای مادی، متناسب با ذائقه‌ی ملت استفاده‌کننده از آن نیز تزیین و آرایش شده است. ذائقه‌ای که طرفی ساده را تا حد اثری فاخر و ارزشمند بالا می‌برد و آن را چنان درجاتی از زیبایی و استواری می‌رساند که آیندگان از آن به عنوان میراث بومی به خود می‌بالند (میرنسل، ۱۳۸۷). یکی از سازوکارهای اقتصاد عشایری، صنایع دستی و آفرینش هنری است، وجود این صنعت در عشایر، از یکسو بخشی از نیازهای داخلی را برآورده کرده و از سوی دیگر برای رفع نیازمندی‌های خانوار، عرضه به بازار را سبب شده که نتیجه این جریان، به رفاه نسبی خانوارهای ایلیاتی منجر شده است (نواب اکبر، ۱۳۷۹). فلاح تبار (۱۳۸۹) به بررسی جهانی شدن، صنایع دستی عشایر و تأثیرگذاری آن در بقاء و تداوم نظام عشایر با هدف طرح یک موضوع بنیادی در زمینه بقای نظام معیشتی برمحور کوچ‌نشینی با توجه به تحولات

جهانی‌شدن پرداخته است. ایشان تاکید کرده است جهانی‌شدن باعث دگرگونی‌های جدید و سریع در عرصه فرهنگ به ویژه فرهنگ محلی و قومی شده است که نقش سنتی مکان، فضا، سرزمین، قوم و فرهنگ را در ساخت و نگهداری هویت اجتماعی- اقتصادی تضعیف می‌کند؛ لذا به علت تنوع در نظام معیشتی عشایر، صنایع دستی آنها به عنوان ارزش‌های فرهنگی آنها می‌تواند در بقاء و تداوم نظام در حال فروپاشی عشایر نقش داشته باشد

از آنجایی که شرایط زندگی عشایری به نحوی است که امکان استقرار دائم آنها در یکجا میسر نیست به همین لحاظ استقرار تکنولوژی انرژی‌های نو در این مناطق مقدور نمی‌باشد. شیوه زندگی عشایر به گونه‌ای است که آنها را وادار نموده است از امکانات محیط پیرامون خود جهت تأمین انرژی استفاده نمایند (بزرگ پور، ۱۳۷۸). از این رو، تأمین سوخت برای عشایر اهمیت دارد و در این راستا از منابع در دسترس بهره می‌گیرند. عشایر به دلایل مختلف با اقدام به قطع درختان و سرشاخه‌ها و نیز بوته‌کنی که برای تأمین سوخت بهره‌برداری می‌کنند مبادرت به تخریب جنگلها و مراتع می‌کنند. جامعه عشایر کوچنده‌ی کشور در بیش از $\frac{4}{5}$ وسعت کشور (حدود ۹۰ درصد حوضه‌های آبخیز) پراکنده‌اند. این مسأله بیانگر آن است که عشایر از نظر توزیع و پراکندگی جمعیتی، اهمیت فوق‌العاده دارند و برای رفع نیاز خود به ناچار از منابع جنگلی و مراتع بهره می‌گیرند؛ از آنجایی که در مقابل این بهره‌برداری اقدامی برای جبران آن نمی‌توانند انجام دهند لذا این بهره‌برداری اثر تخریبی بر جای می‌گذارد.

منابع انرژی در سطح جهان به دو دسته‌ی منابع انرژی سنتی و منابع انرژی مدرن یا تجاری تقسیم می‌شوند. منظور از منابع انرژی سنتی اغلب چوب‌های جنگلی و باقیمانده‌ی محصولات کشاورزی است. منظور از منابع انرژی مدرن یا تجاری نیز حامل‌های فسیلی انرژی و الکتریسته است (بخارل*، ۲۰۰۷). منابع انرژی دسته‌ی اول

*. Pokharel

بیشتر در کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که کمتر به منابع انرژی فسیلی داخلی نیاز دارند مرسومند (بخارل، ۲۰۰۷؛ گاندیمدا و کوهلین*، ۲۰۰۸؛ عرباتزیس و مالزیوس[□]، ۲۰۱۱). در این میان کشور ایران به دلیل اینکه دارای ذخایر غنی و خدادادی از سوخت‌های فسیلی و فقر پوشش جنگلی است انرژی ارزان در بسیاری از نقاط آن در دسترس است؛ انتظار می‌رود استفاده از آن با این حال به دلیل نقص در سیستم توزیع سوخت‌های فسیلی، گستردگی کشور، فقر روستایی و زندگی معیشتی وابسته به منابع طبیعی تجدیدشونده استفاده از چوب جنگل‌ها به عنوان چوب سوخت کمابیش رایج است. می‌توان با اجرای طرح سوخت فسیلی و جایگزینی مواد نفتی به جای هیزم، بوته و گون و غیره از تخریب پوشش گیاهی جلوگیری کرد. ضمن اینکه، استفاده از سوخت فسیلی در کاهش آلودگی محیط‌زیست و بهبود مسائل بهداشتی موثر است (رحیم پور، ۱۳۷۶).

تصدی‌گری و بهره‌برداری اراضی یکی دیگر از موضوعات مهمی است که عشایر با آن درگیر هستند. عشایر کوچ‌نشین ایران عموماً برای تأمین مواد غذایی مورد نیاز خود وابسته به محصولات کشاورزی به‌ویژه گندم و جو می‌باشند (بهمنی قائدی، ۱۳۷۹). علاوه بر این، باغداری به عنوان فعالیت جانبی و مکمل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و این نوع فعالیت بیشتر جنبه‌ی خودمصرفی (معیشتی) برای عشایر دارد. هرچند کشاورزی در ساختار اقتصادی عشایر جایگاه قابل‌توجهی دارد ولی از آنجا که عشایر به طور منظم بین منطقه‌ی ییلاق و قشلاق در حرکت هستند، مشکل محدودیت زمان، نبود آب کافی و خاک حاصل‌خیز، عدم امکان بهره‌وری از فناوری پیشرفته از محدودیت‌های زراعت عشایر است. با این حال سهم اراضی ییلاق و قشلاق متفاوت است. خدردی غریب‌وند و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ی سهم اراضی منابع طبیعی خصوصاً غیرمرتعی را در تأمین بخشی از نیازهای معیشتی برجسته کردند و سهم اراضی

*. Gundimeda and Köhlin

†. Arabatzis and Malesios

زیرکشت آبی و دیم و آیش آبی و دیم را در مناطق قشلاق و بیلاق عشایری به ترتیب ۶۰ و ۴۰ درصد گزارش دادند.

با توجه به دغدغه‌های ذکر شده در حوزه اجتماعی و اقتصادی جامعه عشایری، مطالعه حاضر، در نظر دارد این مسایل را در استان چهارمحال و بختیاری مورد بررسی قرار دهد. استان چهارمحال و بختیاری با مساحت حدود ۱۶۴۰۳ کیلومتر مربع یک درصد از مساحت کل کشور را در برمی گیرد؛ با وجود وسعت کم ولی دارای تنوع آب و هوایی است و از اقلیم معتدل و مناسب، نزولات مناسب آسمان و تنوع پوشش گیاهی بویژه در فصل تابستان و بهار می‌باشد به این علت یکی از مهم‌ترین استان‌های عشایری بوده است که ضرورت مطالعه مسایل اجتماعی- اقتصادی آن از جنبه‌های مختلف ضروری به نظر می‌رسد. در این مطالعه تغییرات جمعیت، تعداد و نوع دام، سوخت مصرفی و صنایع دستی و اراضی مورد بهره‌برداری عشایر در سه دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ در استان چهارمحال و بختیاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

در زمینه متغیرها و مشخصه‌های اجتماعی- اقتصادی عشایر مطالعات زیادی صورت گرفته است؛ در ادامه به مواردی اشاره می‌شود. لازم به ذکر است اغلب مطالعات صورت گرفته، یک یا تعداد معدودی از مشخصه‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

بزرگ‌پور (۱۳۷۸) در مطالعه‌ای به بررسی استفاده از نفت و گاز در مناطق عشایری (طرح جایگزینی سوخت فسیلی) پرداخت. در مطالعه ایشان ابتدا جمعیت و قلمرو عشایر کشور مورد بحث قرار گرفتند، سپس با اشاره به مزایای سوخت فسیلی و کفایت آن در کشور، لزوم استفاده از سوخت فسیلی، چگونگی استفاده از آن و تأثیرات سوخت فسیلی بر زندگی خانوارهای عشایری را مورد بررسی قرار دادند. در راستای استفاده از سوخت فسیلی، توجه به رفاه خانوار عشایری، اوقات فراغت، برگزاری

دوره‌های آموزش‌های ترویجی و فنی و حرفه‌ای را لازم دانستند. ایشان تاکید کردند این امر می‌تواند از تخریب جنگل‌ها و مراتع جلوگیری کند و رشد و توسعه خانوارهای عشایری- روستایی را به دنبال داشته باشد.

بخشی جهرمی (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای به بررسی و تحلیل اقتصاد تولید و درآمد عشایر در زمین‌عشایر سامانه درزه، زیست‌بوم هامون- جازموریان، شهرستان کهنوج پرداختند. پژوهش به شیوه میدانی و با بکارگیری تکنیک‌های تثلیث* () و ارزیابی مشارکتی روستایی[□] (PRA) انجام شد. نتایج نشان داد جایگاه دامداری که شغل اصلی عشایر بوده در اقتصاد عشایر تضعیف شده است. در این زمینه به دلایل متعددی از جمله تخریب مراتع، وضعیت نامناسب بارندگی، مشکلات تغلیف دام، تغییر فرهنگ عشایری در نسل جدید اشاره کردند.

نیکخواه (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به بررسی اقتصادی تولید دام عشایری در استان لرستان پرداخت. نتایج ارزیابی اقتصادی تولید دام نشان داد در سال‌های اخیر ترکیب گله عشایر تغییر داشته و سهم گوسفند در گله افزایش پیدا کرده است. از طرفی بز در ترکیب گله خانوارهای فقیر عشایری نسبت به خانوارهای مرفه بیشتر بود که پیامد آن تخریب بیشتر مراتع بوده است.

طهماسبی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی روند تغییرات معیشتی- زیستی در زیست بوم‌های عشایری با رویکرد پایداری محیط در زمینه زیست‌بوم طایفه فارسیمدان، استان فارس پرداختند. پژوهش با استفاده از رهیافت کیفی و نظریه بنیانی و با بهره‌گیری از تکنیک‌های مشارکتی، مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته انجام شد. نتایج نشان داد الگوی‌های متفاوت معیشتی- زیستی همچون یکجانشینی، نیمه کوچ نشینی و کوچ بدون دام در این محدوده شکل گرفته است. علاوه براین، مجموعه‌ی نیروهای درونی، تغییر ضعف دانش و تکنولوژی عشایر در ارتباط با دامداری، افزایش

*. Triangulatio

†. Participatory rural appraisal

جمعیت، مهاجرت به شهر و کمبود نیروی کار، کمبود سرمایه از جمله دلایل سوق در این راستا بوده است. در نهایت مجموعه‌ی نیروهای ترکیبی تغییر از جمله سست شدن ارزش‌های زندگی کوچ‌نشین، رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و گرایش به سبک زندگی شهری در شکل‌گیری و انتخاب الگوها و راهبردهای اتخاذ شده چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را فرا روی عشایر قرار داده است.

طرفی منبندی (۱۳۹۶) نقش ساختار محیطی کشور بر فعالیت‌های عشایری با تاکید بر دام در زمینه استان خوزستان را مورد مطالعه قرار داد. تحلیل براساس آخرین سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷ صورت گرفت. نتایج کاهش شدید تعداد دام‌های سبک، تغییر شدید نسبت دام‌های سنگین، کاهش مقدار و کیفیت علوفه جهت تعلیف دام، کاهش شدید جمعیت و خانوار عشایری استان نسبت به دوره قبل سرشماریا نشان داد. جمعیت در دوره بیلاقی و قشلاقی ۱۲/۲ و ۱۹/۹ درصد نسبت به دوره قبل کاهش داشته است. در یک نتیجه‌گیری کلی، عوامل مختلف از جمله تغییرات آب و هوایی و مهمتر از همه، کاهش بارندگی، از بین رفتن مراتع میانبند، کمبود علوفه دامی، نبود امکانات رفاهی و بروز پدیده خشکسالی در طی چند سال اخیر را موجب از هم پاشیدگی زندگی جامعه عشایری در استان خوزستان ذکر کردند.

امان‌اللهی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی علل کاهش قالیبافی عشایر قشقایی در دوره معاصر پرداخت. ایشان مهم‌ترین آسیب‌های موجود در کاهش قالی‌بافی نسل معاصر عشایر قشقایی شامل خشکسالی، تاثیر تغییرات نسلی بر سبک زندگی، تحصیلات، تکنولوژی، فناوری و رسانه، امکانات جامعه شهری، اسکان در شهرها و روستاها را برشمردند و به تاثیر هر یک از آنها را در کاهش تولید توسط نسل معاصر قشقایی پرداختند.

خدروی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به تغییرات جمعیتی و تحولات معیشتی بهره‌برداران مرتعی در ایران با تاکید بر قلمرو عشایری، بازفت، استان چهارمحال و

بختیاری پرداختند. نتایج جمع‌بندی و مرور منابع، نشان می‌دهد عدم تعادل بین انسان، دام و مرتع و کاهش سهم محصولات دامی از چالش‌های عمده مدیریت پایدار مرتع در ایران می‌باشند. این راستا، تاکید شده است مدیریت پایدار مراتع در صورتی تحقق خواهد یافت که ضمن حفظ تعادل دام، مرتع و انسان تنوعی از معیشت به منظور توسعه معیشت‌های تکمیلی بهره برداران، در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در نظر گرفته شوند.

بلنچ (۲۰۰۱) حصارکشی زمین، پیشرفت‌های کشاورزی خصوصی شدن اراضی (در آسیای مرکزی)، گسترش دامداری پیرامون شهری (در هند، جنوب و شرق آسیا) و فرصت‌های اقتصادی جایگزین را از دلایل اصلی کاهش کوچ‌نشینی و زندگی عشایری در سراسر جهان برشمردند.

بلنچ و همکاران* (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای به بررسی لزوم تغییر شیوه‌های تولید دام در مناطق فقیر به بررسی اثرات مثبت تغییر الگوهای موجود دامداری در بین کوچ‌نشینان و دامپروران مناطق فقیر جهان پرداختند. نتایج مطالعه ایشان نشان داد می‌توان با تغییر استراتژی تولید دام، سطح زندگی و رفاه عشایر و بادیه‌نشینان را تقویت کرد.

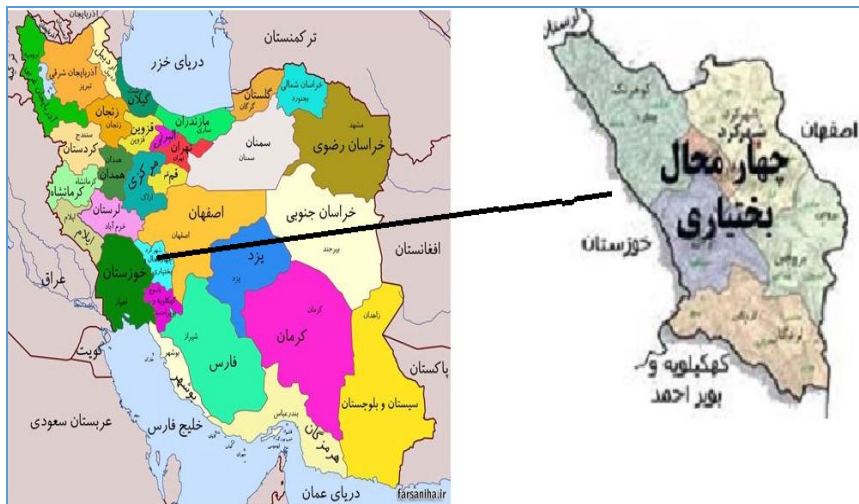
با توجه به مرور منابع و موارد اشاره شده، مطالعه‌ای که تغییر و تحولات شاخصه‌های اجتماعی-اقتصادی از جمله تعدادخانوار، تعداد دام، مصرف سوخت، مساحت اراضی تحت تصدی و صنایع دستی را در سه دهه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد صورت نگرفته است؛ تحلیل تغییرات این مشخصه‌ها برای اولین برای در زمینه استان چهارمحال و بختیاری صورت می‌گیرد.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه

*. Blench et al.

محدوده‌ی مورد مطالعه شامل استان چهارمحال و بختیاری است. استان چهارمحال و بختیاری در جنوب غربی ایران واقع شده است، از نظر موقعیت جغرافیایی در محدوده‌ی ۳۱ درجه و ۱۴ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۴۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۴۹ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. استان از طرف شمال شرق با مرزی به طول ۳۸۹/۵ کیلومتر به استان اصفهان، از طرف مغرب با مرزی به طول ۱۶۰/۵۹ کیلومتر به استان خوزستان، از سمت جنوب با مرزی به طول ۱۵۱/۱۴ کیلومتر به استان کهگیلویه و بویراحمد و از سمت شمال غرب با مرزی به طول ۴۹/۵۸ کیلومتر به استان لرستان محدود می‌شود. استان چهارمحال و بختیاری از یک‌بخش جلگه‌ای شامل مزارع سبز و باغات وسیع تشکیل یافته است، بخش کوهستانی آن را ارتفاعات تشکیل می‌دهد.



شکل ۱. نقشه‌ی موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

این مطالعه تغییرات برخی متغیرهای اجتماعی-اقتصادی استان چهارمحال و بختیاری در سه دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. در این تحقیق آمار و اطلاعات مورد نیاز به روش اسنادی و کتابخانه‌ای از اطلاعات سرشماری‌های اجتماعی

اقتصادی عشایر کوچنده در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ موجود در آرشیو مرکز آمار ایران جمع‌آوری و استفاده شده است. برای توصیف متغیرها از آمار توصیفی استفاده شده است. آمار توصیفی، بخشی از آمار است که در برگیرنده مرتب‌کردن یا خلاصه‌سازی داده‌ها است. برای مرتب‌کردن از جداول یا اشکال استفاده می‌شود و برای خلاصه‌سازی از شاخص‌های آماری مثل میانگین، واریانس یا انحراف معیار و... استفاده می‌شود. در واقع این روش ابزارهایی را برای تشریح مشاهدات آماری جمع‌آوری شده و کاهش اطلاعات به شکل قابل‌فهم فراهم می‌سازد. به منظور درک بهتر و دسته‌بندی و خلاصه‌سازی اطلاعات، تجزیه و تحلیل دقیق و شناخت عوامل موثر، داده‌های جمع‌آوری شده وارد نرم‌افزارهای Excel 2019، SPSS 26 و Minitab 16 گردید و سپس با توجه به هدف و ماهیت اطلاعات و داده‌ها از ارائه نتایج بصورت خلاصه‌سازی و مرتب‌کردن در قالب جداول و اشکال مناسب استفاده شد.

نتایج

جدول نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل وضعیت جمعیتی و تعداد خانوار عشایر استان چهارمحال و بختیاری در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) را نشان می‌دهد. جمعیت عشایر استان چهارمحال و بختیاری از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۷ روند کاهشی داشته است. طبق نتایج به‌دست‌آمده جمعیت عشایری استان در محل استقرار بیلاقی همواره بیشتر از جمعیت عشایر در محل استقرار قشلاقی می‌باشد. جمعیت عشایر استان در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۶۶، کاهش ۴۱/۰۷ درصد داشته است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که جمعیت عشایر در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۶۶، افزایش ۲/۹۳ درصد داشته است. نتایج نشان‌دهنده کاهش ۴۵/۳۳ درصدی جمعیت عشایر استان در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۷۷ است.

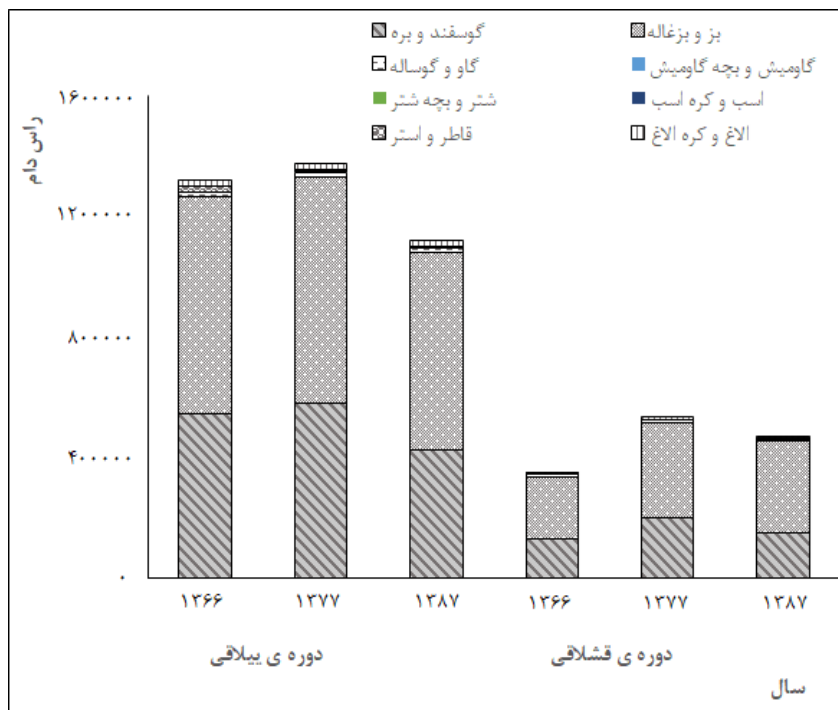
طبق نتایج به دست آمده تعداد خانوار عشایر استان چهارمحال و بختیاری از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۷ روند کاهشی داشته است و همواره تعداد خانوار عشایری استان چهارمحال و بختیاری در بازه زمانی مورد بررسی، در محل استقرار بیلاقی بیشتر از محل استقرار قشلاقی می‌باشد. تعداد کل خانوار عشایر در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۶۶، کاهش ۳۳/۷۳ درصد داشته است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که تعداد کل خانوار عشایر در سال ۱۳۷۷ نسبت به سال ۱۳۶۶، کاهش ۰/۶۴ درصد داشته است. نتایج نشان دهنده کاهش ۳۲/۸۸ درصدی تعداد کل خانوار عشایر در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۷۷ است.

جدول ۱. تغییرات تعداد خانوار و جمعیت عشایر کوچنده استان چهارمحال و بختیاری در تیرماه سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷

جمعیت			تعداد خانوار			دوره استقرار
۱۳۸۷	۱۳۷۷	۱۳۶۶	۱۳۸۷	۱۳۷۷	۱۳۶۶	
۹۰۰۱۴	۱۳۲۳۳۱	۱۳۶۶۹۱	۱۴۶۵۷	۱۹۵۶۱	۲۱۰۴۵	بیلاقی
۳۶۰۲۵	۵۰۸۴۳	۴۱۱۱۵	۶۰۳۲	۷۹۳۱	۶۶۲۳	قشلاقی
۱۲۶۰۳۹	۱۸۳۱۷۴	۱۷۷۸۰۶	۲۰۶۸۹	۲۷۴۹۲	۲۷۶۶۸	کل
۲/۹۳			-۰/۶۴			درصد تغییرات (۱۳۶۶ تا ۱۳۷۷)
-۴۵/۳۳			-۳۲/۸۸			درصد تغییرات (۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷)
-۴۱/۰۷			-۳۳/۷۳			درصد تغییرات (۱۳۶۶ تا ۱۳۸۷)

تغییرات تعداد دام عشایر دوره بیلاقی و دوره قشلاقی عشایر استان بر حسب نوع دام در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) در شکل ۲ ارائه شده است. طبق نتایج به دست آمده، بیشترین تعداد دام عشایر استان از نوع بز و بزغاله بوده است. نتایج نشان می‌دهد

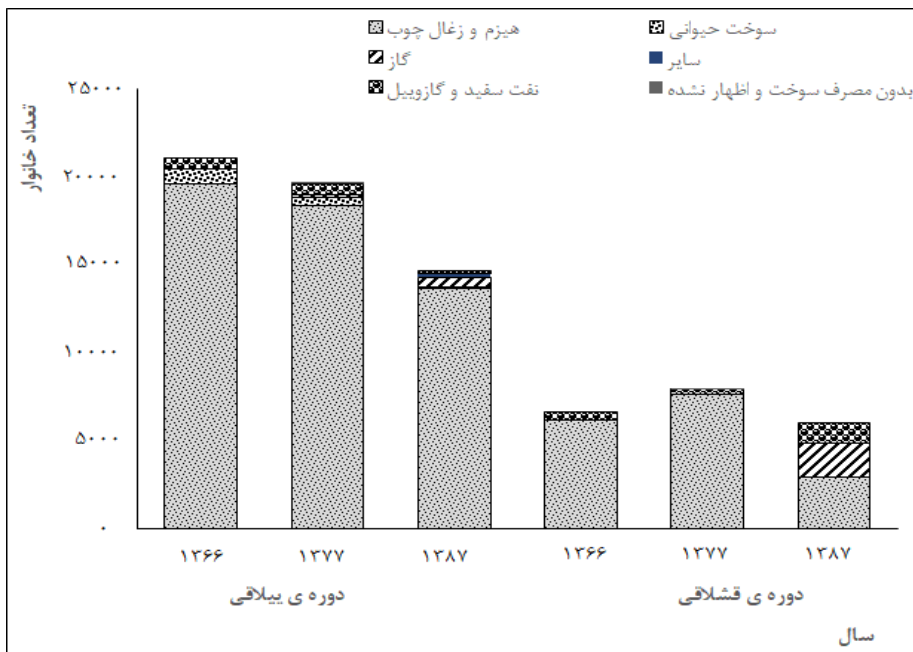
که همواره تعداد دام عشایری استان در محل استقرار بیلاقی بیشتر از محل استقرار قشلاقی می‌باشد.



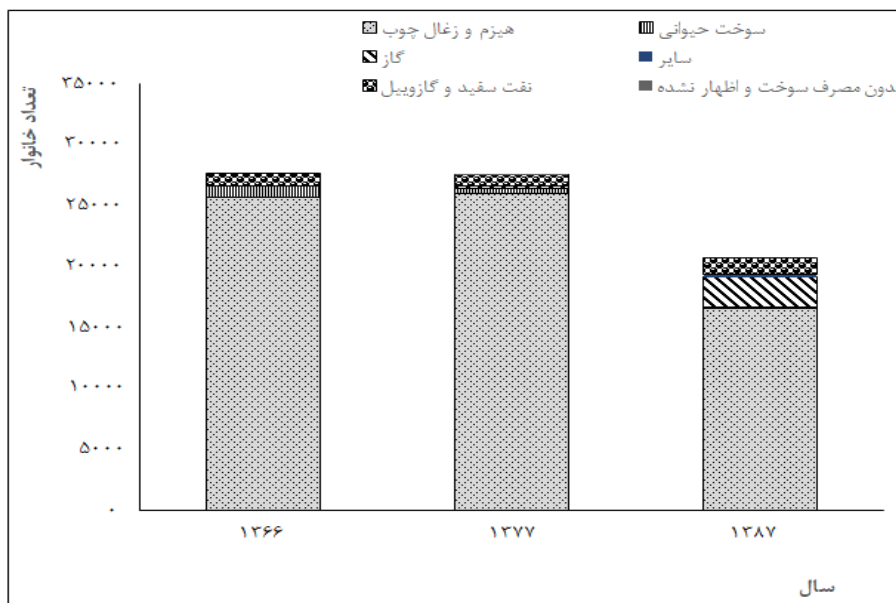
شکل ۲. نمودار تغییرات تعداد و نوع دام عشایر دوره بیلاقی و دوره قشلاقی استان چهارمحال و بختیاری در بازه زمانی مورد مطالعه

نتایج حاصل از بررسی تغییرات تعداد خانوار بر حسب نوع سوخت مصرفی عشایر استان دوره بیلاقی و دوره قشلاقی چهارمحال و بختیاری در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) در شکل‌های ۳ و ۴ ارائه شده است. طبق نتایج به دست آمده، بیشترین تعداد خانوار عشایر استان از هیزم و زغال چوب به عنوان سوخت مصرفی جهت پخت و پز و ایجاد گرما استفاده می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که همواره میزان سوخت مصرفی عشایر در محل استقرار بیلاقی بیشتر از محل استقرار قشلاقی می‌باشد

و میزان مصرف سوخت عشایر استان در انواع مختلف سوخت مصرفی از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۷ روند کاهشی داشته است.



شکل ۳. نمودار تغییرات تعداد خانوار بر حسب نوع سوخت مصرفی عشایر استان دوره بیلاقی و قشلاقی چهارمحال و بختیاری

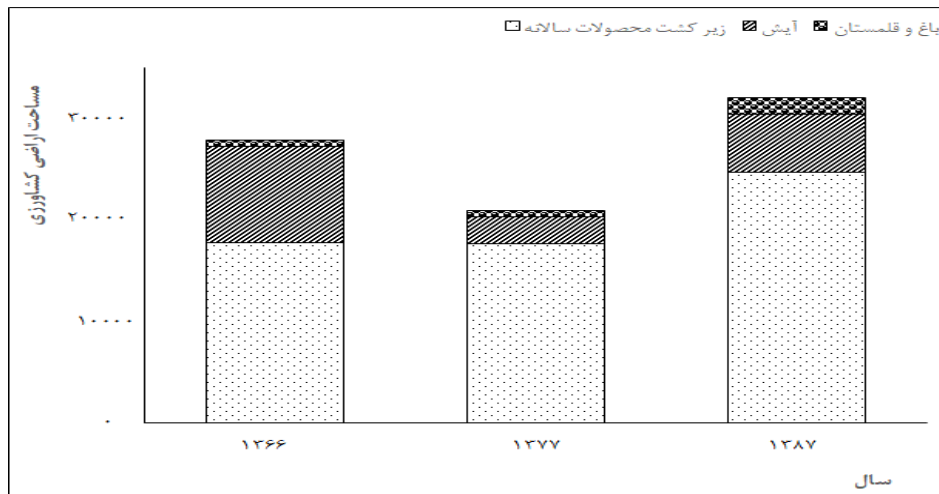


شکل ۴. نمودار تغییرات تعداد خانوار بر حسب نوع سوخت مصرفی عشایر استان چهارمحال و بختیاری

نتایج حاصل از بررسی تغییرات مساحت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری عشایر دوره بیلاقی و قشلاقی استان چهارمحال و بختیاری بر حسب نوع استفاده از زمین در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) در شکل‌های ۵ و ۶ ارائه شده است. طبق نتایج به‌دست‌آمده، اراضی تحت کشت سالانه دارای بیشترین سطح مورد استفاده خانوارهای عشایر استان نسبت به سایر انواع استفاده از زمین می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که همواره میزان مساحت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری عشایر استان در محل استقرار بیلاقی بیشتر از محل استقرار قشلاقی می‌باشد و میزان مساحت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری عشایر دوره بیلاقی و قشلاقی استان بر حسب نوع استفاده از زمین از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷ روند افزایشی و از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۷ روند کاهشی داشته است.

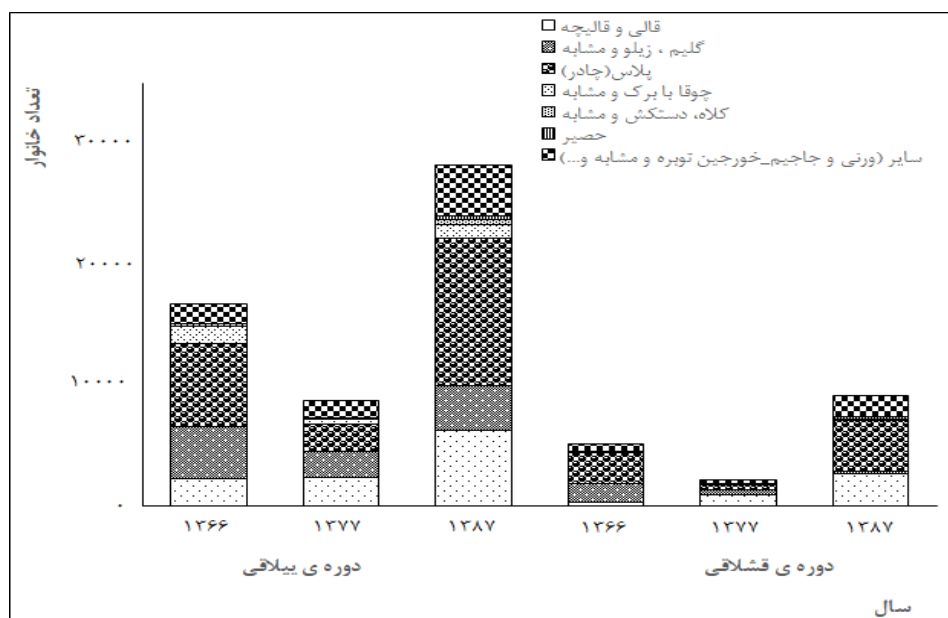


شکل ۵. نمودار تغییرات مساحت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری عشایر دوره بیلابی و قشلاقی استان چهارمحال و بختیاری بر حسب نوع استفاده از زمین

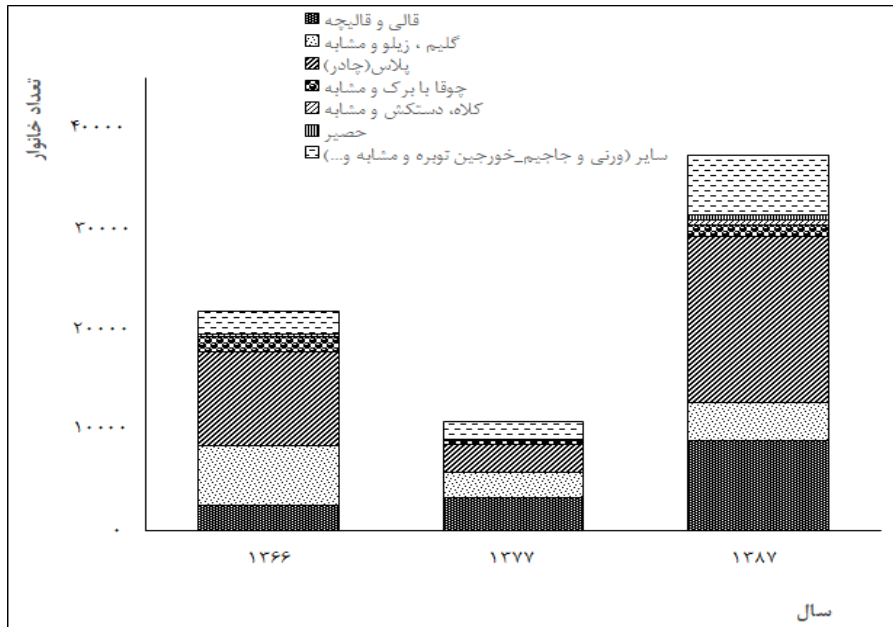


شکل ۶. نمودار تغییرات مساحت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری عشایر استان چهارمحال و بختیاری بر حسب نوع استفاده از زمین

نتایج حاصل از بررسی تغییرات خانوارهای عشایر دوره بیلاقی و دوره قشلاقی استان چهارمحال و بختیاری، دارای هر یک از انواع صنایع دستی در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) در شکل‌های ۷ و ۸ ارائه شده است. نتایج حاکی از آن است که پلاس (چادر) دارای بیشترین میزان تولید در بین خانوارهای عشایر استان نسبت به سایر صنایع دستی تولید شده در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۸۷ می‌باشد. طبق نتایج به‌دست‌آمده، قالی و قالیچه و پلاس (چادر) به‌ترتیب دارای بیشترین میزان تولید در بین خانوارهای عشایر استان چهارمحال و بختیاری نسبت به سایر صنایع دستی تولید شده در سال ۱۳۷۷ می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که همواره میزان تولید انواع مختلف صنایع دستی عشایر استان در محل استقرار بیلاقی بیشتر از محل استقرار قشلاقی می‌باشد و میزان صنایع دستی تولید شده توسط عشایر دوره بیلاقی و قشلاقی استان از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷ روند افزایشی و از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۷ روند کاهشی داشته است.



شکل ۷. نمودار تغییرات خانوارهای عشایر دوره بیلاقی و دوره قشلاقی استان چهارمحال و بختیاری، دارای هر یک از انواع صنایع دستی



شکل ۸. نمودار تغییرات خانوارهای عشایر استان چهارمحال و بختیاری، دارای هر یک از انواع

صنایع دستی

بحث

جامعه عشایر، با فعالیت‌های اقتصادی و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و نیز شیوه‌ی سکونت خاص خود، بخشی از جمعیت کشور است که با پیوند سازمان‌یافته‌ی عشیره‌ای (هم تباری)، بر اساس معیشت شبانی (دامپروری)، کوچ‌نشینی و چادرنشینی را به عنوان شیوه زندگی برگزیده است (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۴). عشایر ایران با ۲۴ میلیون رأس دام و ۴۵۰ هزار هکتار اراضی و ۲۰ هزار هکتار باغ نقش قابل‌توجهی در تأمین مواد دامی، لبنی و کشاورزی دارند (احمدی، ۱۳۸۳). علاوه بر این، ۳۰۰ هزار نوع مصنوعات دستی که بیش از ۱۲۰ هزار میلیارد ریال ارزش افزوده دارد تولید می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۳). کوچ‌نشینان ایران با توجه به شرایط زندگی و احتیاجاتشان نقش موثری در اوضاع اجتماعی و اقتصادی و نیز حفظ تمامیت اراضی کشور ایفا می‌کنند. جمعیت عشایر کشور کمتر از ۲ درصد از کل جمعیت کشور است

و با توجه به اینکه اقتصاد کوچ‌نشینان براساس پرورش و نگهداری دام استوار است و عمدتاً فعالیت عشایر کوچ‌نشین در زمینه تولیدات صنایع دستی (از جمله بافت قالی و قالیچه، گلیم و جاجیم) وابسته به مواد اولیه مانند پشم است که از دام‌ها به دست می‌آید صنایع دستی به عنوان فرآورده‌های دست‌ساز عشایر به عنوان فعالیت مکملی در کنار دامداری و کشاورزی که عمدتاً توسط زنان و دختران عشایری صورت می‌گیرد. از آداب و سنن و باورها و نیز اقتصاد و فرهنگ عشایر و کوچ‌نشینان نشأت می‌گیرد و از آنجایی که عشایر مهم‌ترین تولیدکننده‌ی محصولات لبنی، گوشت قرمز و فرآورده‌های جانبی برای تولید صنایع دستی می‌باشد و برای تأمین مواد غذایی و سوخت خود به ترتیب وابسته به محصولات کشاورزی و هیزم و نفت سفید هستند. در این مطالعه به بررسی و تحلیل تغییرات جمعیت، تعداد و نوع دام، سوخت مصرفی، صنایع دستی و مساحت اراضی در سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) که در زندگی عشایری استان چهارمحال و بختیاری تأثیری مهمی داشتند، پرداخته شده است.

با توجه به جدول ۱ جمعیت و تعداد خانوارهای عشایر استان چهارمحال و بختیاری در محل دو استقرار بیلاقی و قشلاقی از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۸۷ روند کاهشی داشته است که این روند کاهشی را می‌توان به بروز خشکسالی‌های پی‌درپی، از بین رفتن مراتع میان‌بند، کمبود علوفه، اسکان اجباری، محدودیت منابع آب و خاک، عدم تعادل بین ظرفیت مراتع و دام موجود، پایین بودن شاخص‌های توسعه انسانی نسبت به جوامع شهری و روستایی و گرایش به زندگی یکجانشینی، انتخاب شغل و زندگی راحت، عدم تمایل نسل جوان به ادامه زندگی کوچروی و.... نسبت داد. این نتایج و استدلال با مطالعه سالم (۱۳۸۷) همخوانی دارد. ایشان با بررسی تأثیر خشکسالی در طی چند سال پایایی بر زندگی عشایر طایفه طاهری در حوزه شهرستان طبرس دریافتند که خشکسالی باعث شده است عشایر روز به روز فقیرتر و حداقل نیازهای زندگی آنها از طریق کاهش تعداد دام، دریافت وام و یا پیش‌فروش دام و فرآورده‌های لبنی تأمین شده است که این امر باعث مهاجرت تعدادی از خانوارها شده است که در نهایت

کاهش جمعیت عشایری را به دنبال داشته است. علاوه بر این، جمعیت و تعداد خانوار عشایر استان چهارمحال و بختیاری در بازه زمانی مورد مطالعه، در محل استقرار ییلاقی بیشتر از محل استقرار قشلاقی می‌باشد که می‌توان به سردسیری بودن این استان نسبت داد؛ این امر منطقی است بطوریکه بخش اعظم ایلات در محدوده‌ی ییلاق قرار گرفته‌اند و در اصل ییلاق استان چهارمحال و بختیاری غالب است و بنابراین جمعیت و تعداد خانوار در محل استقرار ییلاقی بیشتر از استقرار قشلاقی است.

با توجه به شکل ۲ تعداد و نوع دام عشایر در استان چهارمحال و بختیاری در دو محل استقرار ییلاقی و قشلاقی از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۸۷ روند کاهشی داشته است که این روند کاهشی را می‌توان به کاهش تعداد خانوار و جمعیت در طی سال‌های مورد بررسی نسبت داد که به تناسب آن تعداد دام نیز کاهش یافته است. علاوه بر این تعداد و نوع دام نیز به علت عواملی از جمله کاهش بارندگی، کمبود علوفه و گرانی آن، کمبود داروهای دامی و محدودیت تولیدات دامی خانوارهای عشایری روند کاهش داشته است. در این ارتباط می‌توان به مطالعه‌ی ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد که به بررسی حذف شیوه دامداری سنتی عشایری تهدیدی برای تنوع‌زیستی پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد تقریباً تعداد کلیه انواع احشام هر خانوار نسبت به گذشته کاهش یافته اما تعداد بز در مقایسه با سایر دامها روند کاهشی کمتری داشت، دام‌های بزرگ جثه اسب و قاطر و همچنین طیور کاهش قابل توجهی یافتند و در مواردی حذف شده‌اند ولی علیرغم کاهش نژاد بومی گاوها، گاو سنگین نژادهای دورگ در منطقه افزایش یافته است. از دلایل عمده این تغییرات را کاهش گیاهان مرغوب جنگلی و مرتعی به ویژه در شیبهای کم طبیعت در اثر چرای بیش از حد و عدم تعادل دام و مرتع، افزایش هزینه نگهداری دام، عدم امکان تغذیه دام سبک در اطراف روستا، تغییر شیوه شخم‌زنی، تغییر شیوه دامداری از عشایری به یکجانشینی، فروش جهت تأمین هزینه‌ی مسکن برای یکجانشینی، تمایل روستائیان به نگهداری دام سنگین به دلیل پر بازده بودن، مرگ و میر ناشی از امراض، خشکسالی و محدودیت

منابع ارضی که اغلب به نوعی مرتبط با سکونت و یکجانشینی است در روند حذف و کاهش دام‌ها دانسته‌اند. چنین استدلالی نیز می‌تواند نتایج این مطالعه را تایید کند. با توجه به شکل ۲ می‌توان اظهار داشت که تعداد و نوع دام عشایر استان چهارمحال و بختیاری از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۷۷ در دو محل استقرار بیلاقی و قشلاقی روند افزایشی داشته است که این روند می‌تواند به علت توسعه اسکان عشایر و به دنبال آن مهاجرت معکوس برای توسعه شهرک‌های عشایر باشد حال به دلیل افزایش جمعیت تعداد دام نیز به تناسب افزایش پیدا کرده است.

با توجه به شکل ۲ در استان چهارمحال و بختیاری در دو محل استقرار بیلاقی و قشلاقی در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) تعداد دام از نوع بز و بزغاله بیشتر از سایر احشام بود. ه است. افزایش بز می‌تواند به این دلیل باشد که چون عشایر معمولاً از بز به عنوان دام شیری نسبت به گوسفند بیشتر استفاده می‌کنند و در این راستا مبادرت به پرورش این دام می‌کنند. علاوه براین، سابقه قبلی و تجربه نگهداری و پرورش بز، رفع نیازهای ضروری بوسیله دام سبک، شرایط منطقه و سازگاری بهتر و ذائقه متنوع بز و چرا از گیاهان مختلف و تغییر نژاد دام را می‌توان ذکر نمود. در این راستا می‌توان به مطالعه‌ی کرباسی و نیکخواه (۱۳۸۴) اشاره کرد که به بررسی اقتصاد تولید دام عشایری در استان لرستان پرداختند. مطالعه ایشان نشان داد در سال‌های گذشته سهم گوسفند در ترکیب گله خانوارهای عشایری بیشتر بود. علاوه براین، سهم بز در ترکیب گله خانوارهای فقیر نسبت به خانوارهای مرفه بیشتر بود که به دلیل پایین بودن هزینه نگهداری هر راس بز نسبت به هر راس گوسفند می‌باشد. چنین استدلالی نیز نتایج این مطالعه را تایید می‌کنند. با توجه به شکل ۲ می‌توان اظهار داشت که در استان چهارمحال و بختیاری تعداد و نوع دام عشایر در دهه‌های مورد مطالعه در محل استقرار بیلاقی بیشتر از محل استقرار قشلاقی است که می‌تواند به این دلیل باشد که بیلاق استان چهارمحال و بختیاری غالب است و جمعیت زیادتر است پس به تناسب افزایش جمعیت تعداد دام نیز بیشتر است

با توجه به شکل ۳ سوخت مصرفی در دو محل استقرار بیلاقی و قشلاقی در استان چهارمحال و بختیاری از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۷۷ روند کاهشی داشته است و سوخت‌هایی از جمله نفت سفید و گازوئیل و گاز جایگزین شده است که می‌تواند به این علت بالا بودن ارزش حرارتی حاصل از سوخت گاز مایع بیش از سوخت نباتی باشد (۸۰ نسبت به ۲۰) باشد. این امر نشانگر ارزش اقتصادی مطلوب و مقرون به صرفه بودن سوخت‌های فسیلی است که در کاهش هزینه‌های مصرف و بالا بردن توان مالی خانوارهای عشایری حائز اهمیت می‌باشد و همچنین استفاده از سوخت‌های فسیلی (نفت و گاز) باعث بهبود مسائل بهداشتی و کاهش بیماری‌های ناشی از مصرف سوخت‌های نباتی و حیوانی خواهد شد. رحیمی و پارینی (۱۳۸۳) نیز در مطالعه‌ای که به بررسی و تحلیل نقش جایگزینی سوخت فسیلی در رفاه نسبی زنان عشایر کشور پرداختند. نتایج مطالعه ایشان نشان داد که حدود ۶۶ درصد جمعیت عشایری کشور از هیزم به عنوان سوخت اصلی استفاده می‌نمایند. علاوه بر این، نشان دادند هر خانوار عشایری روزانه به ۱۰۵ کیلوگرم گاز مایع و ۸ لیتر نفت سفید به عنوان سوخت اصلی خانگی نیازمندند. این مقدار با قیمت مناسب در محل جایگاه‌های مواد نفتی در محل اطراق‌های عشایری، در اختیارشان گذاشته شده است. با این وضع جایگزینی سوخت فسیلی، نه تنها مشکلات افراد خانوار به خصوص زنان و دختران و کودکان عشایری که جمع‌آوری‌کننده هیزم برای خانوار می‌باشد را کاهش داده و دسترسی خانوارهای روستایی محروم و دورافتاده از سوخت فسیلی را تسهیل نموده بلکه هزینه‌های این جایگزینی از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز در مقابل هزینه‌های حفاظت و احیای جنگل‌ها و مراتع ناچیز است. این استدلال تاییدکننده نتایج این مطالعه است.

با توجه به شکل ۳ سوخت هیزم و زغال چوب در خانوارهای استان چهارمحال و بختیاری در محل استقرار بیلاقی و قشلاقی در طی سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) بیشتر از سایر سوخت‌های ذکر شده است این امر می‌تواند به دلیل تمایل جوامع عشایری به برداشت و استفاده از چوب برای تأمین انرژی باشد. از جمله کاربردهای

مهم آن برای عشایر استفاده از چوب در فصول سرد سال برای گرم کردن منازل است. عشایر از چوب جنگلی برای پخت نان محلی، زغالگیری و گرم کردن آب برای استحمام و نیز تهیه کشک و قارا استفاده می‌کنند. رضوی (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای که به بررسی مهمترین سوخت‌های مصرفی عشایر شهرستان سمنان پرداخته است به نتیجه مشابهی دست یافت. ایشان اظهار داشت همانگونه که عمده سوخت‌های مصرفی عشایر استان سمنان نفت سفید، گاز مایع، بوته و هیزم است بیشتر جهت فرآورده‌های لبنی و مصارف شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرد و ویژگی طبیعی منطقه نظیر کوهستانی بودن آن، صعب‌العبور بودن جاده‌ها، نبود امکانات سوخت‌رسانی مساعد از جمله عواملی هستند که دغدغه‌ی عشایر و مسئولان ذیربط را در پی داشته و موجب بهره‌برداری مراتع جهت سوخت مصرفی شده است. با توجه به شکل ۳ می‌توان اظهار داشت که مصرف سوخت عشایر در استان چهارمحال و بختیاری در محل استقرار بیلاقی بیشتر از محل استقرار قشلاقی است که می‌تواند به این دلیل باشد که از آنجایی که بیلاق این استان غالب است و جمعیت زیادتر است پس به تناسب جمعیت میزان مصرف سوخت نیز بیشتر است که با نتایج این تحقیق هم راستا می‌باشد.

با توجه به شکل ۵ مساحت اراضی کشت محصولات سالانه عشایر استان چهارمحال و بختیاری در محل استقرار بیلاقی و قشلاقی در طی دهه‌های مورد بررسی (۶۰، ۷۰ و ۸۰) بیشتر از سایر مساحت اراضی کشاورزی مورد بهره‌برداری است که می‌تواند به دلیل نیاز بالای عشایر است؛ اینکه برای رفع مایحتاج خود و دام‌ها به کشت این محصولات در زمین‌هایی که به آنجا کوچ می‌کنند مبادرت می‌ورزند. با توجه به شکل ۶ می‌توان اظهار داشت که مساحت اراضی کشاورزی دیم عشایر استان چهارمحال و بختیاری در دهه‌های مورد بررسی بیشتر از مساحت اراضی آبی است که می‌توان به کمبود منبع آب در این استان نسبت داد. با توجه به شکل ۷ پلاس (چادر) عشایر استان چهارمحال و بختیاری در محل استقرار بیلاقی و قشلاقی بیشتر از سایر محصولات صنایع دستی مورد بررسی است که می‌تواند به دلیل نیاز عشایر به اقامت در پلاس‌ها

(چادرها) می‌باشد. دلیل دیگر ارزان قیمت بودن و سبک بودن این چادرهاست که مورد استفاده عشایر کوچرو قرار می‌گیرند. نواب اکبر و همکاران (۱۳۷۹) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل موثر بر کمیت و کیفیت تولید صنایع دستی زنان عشایر نیمه اسکان یافته مرندافزر پرداختند. صنایع دستی تولید شده توسط زنان شامل گلیم، جاجیم، قالیچه و خوابگاه بود. نتایج نشان داد که ۷۵/۴ درصد زنان گلیم می‌بافند؛ گلیم بافی با وجود نداشتن هزینه چندانی برای بافندگان در ارزش افزود، درآمد ناخالص خانوار در سال و مجموع کل درآمدها موثر بوده است و ۵۰/۹ درصد علت بافندگی را نیاز اقتصادی اعلام کردند. با توجه به شکل ۸ می‌توان صنایع دستی در محل استقرار بیلاقی و قشلاقی از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۷۷ روند کاهشی داشته است که می‌تواند به دلیل پیشرفت تکنولوژی، فناوری و رسانه، تاثیر تغییرات شغلی بر سبک زندگی و تحصیلات باشد و از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۸۷ روند افزایش داشته است که این روند افزایش می‌تواند به علت بازار خوب و درآمد ایشان طی این سال‌ها باشد.

نتیجه گیری

ایران سرزمینی متشکل از اقوام مختلف است. این جوامع از نظر اقتصادی معیشتی به سه دسته شهرنشین، روستانشین و کوچنده (عشایری) تقسیم می‌شوند؛ دو دسته اول در تمام کشورهای جهان دیده می‌شود اما گروه سوم که اقتصاد آنها بر مبنای دامداری سنتی و فرآوردهای دامی استوار است دارای ردپای تاریخی از آسیای مرکزی تا خاورمیانه و سرزمین‌های اطراف آن می‌باشد که از گذشته‌های دور تا به امروز بر جای مانده است (صفی نژاد، ۱۳۸۱). از آنجایی که امروزه زراعت، دامداری و صنایع دستی از ارکان مهم اقتصادی و جمعیت و نوع سوخت مصرفی از ارکان مهم اجتماعی زندگی عشایر به شمار می‌آید بنابراین توجه به قابلیت‌های جامعه عشایری در زمینه اقتصادی و اجتماعی و تاثیرگذاری آن در محیط‌زیست و منابع طبیعی از ضرورت خاصی برخوردار است. در این تحقیق به دنبال مقایسه تغییرات جمعیتی، تعداد و نوع دام،

سوخت، اراضی زراعی مورد بهره‌برداری و صنایع‌دستی در سه دهه گذشته (۶۰، ۷۰ و ۸۰) نتیجه گرفته شده است جمعیت و تعداد خانوارهای عشایری و سوخت مصرفی عشایر روند کاهشی داشته است و صنایع‌دستی و اراضی زراعی مورد بهره‌برداری به طور کلی روند افزایشی داشته است.

این مطالعه پیشنهاد می‌کند علاوه بر بررسی تغییرات جمعیتی، تعداد و نوع دام، سوخت مصرفی، مساحت اراضی مورد بهره‌برداری و صنایع‌دستی، سایر مولفه‌های اجتماعی-اقتصادی از جمله تغییرات سنی، سطح سواد، شغل اصلی، وضع زناشویی و تسهیلات در اختیار خانوار نیز برای استان چهارمحال و بختیاری و سایر استان‌ها در طی سه دهه گذشته مورد بررسی قرار گیرد. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود مولفه‌های اجتماعی-اقتصادی از جمله تغییرات جمعیتی، تعداد و نوع دام، سوخت مصرفی، مساحت اراضی مورد بهره‌برداری و صنایع‌دستی به صورت مقایسه‌ای بین سایر استان‌ها در طی دهه‌های گذشته و برای سایر استان‌ها نیز مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- ابراهیمی، ع. ، خدری غریب وند، ح. و طهماسبی، پ (۱۳۹۱). حذف شیوه دامداری سنتی عشایری تهدیدی برای تنوع زیستی، پنجمین همایش مرتع و مرتعداری، انجمن مرتعداری ایران با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، ۲۸-۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۱، ص ۱۸۷.
- اداره مطالعات و برنامه‌ریزی استان (۱۳۹۱). برنامه راهبردی (استراتژیک) ساماندهی عشایر استان چهارمحال و بختیاری در افق ۱۴۰۴.
- امیرعزیدی، ط. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر کوچ و اسکان در ایران. چاپ اول، اسلام شهر، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی (اسلام شهر)، ۲۷۴ صفحه.
- بخشی جهومی، آ. (۱۳۸۶). آنالیز اقتصاد تولید درآمد عشایر (مطالعه موردی: عشایر سامانه درزه، زیست‌بوم هامون- جازموریان، شهرستان کهنوج)، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد، انجمن اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۵ ص.

- بخشی جهرمی، آ. (۱۳۸۵). پیامدهای اقتصادی - اجتماعی اسکان عشایر، ماهنامه دهاتی، شماره ۳۱، ص ۵۰-۵۲.
- بزرگ‌پور، ع. (۱۳۷۸). کارشناس سازمان امور عشایر، گزارش تفصیلی "طرح جایگزین سوخت فسیلی" دوره ۲۰ ساله، ۱۳۵۸ الی ۱۳۷۷.
- بهشتی، م. (۱۳۷۸). دیدگاه عشایر آذربایجان شرقی در مورد کوچ و اسکان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۶۶، ص ۱۱۴-۸۳.
- بهمنی‌قائدی، س. (۱۳۷۹). بررسی نیازهای آموزشی عشایر کوچنده چهارمحال و بختیاری در زمینه مدیزیت تولید دام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- دهقانی، ا.، صیدائی، ا. و شفقی، س. (۱۳۹۳). سنجش و بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در کانون‌های اسکان عشایری (مطالعه موردی: کانون‌های اسکان عشایری استان‌های فارس و اصفهان)، مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۲، شماره ۲۷، ص ۹۶-۷۷.
- رحیم پور، پ. (۱۳۷۶). منابع طبیعی تجدید شونده (پوشش گیاهی) و سوخت فسیلی در مناطق عشایری، پایگاه مجلات تخصصی نور.
- رحیمی، ا. و پارخی، پ. (۱۳۸۳). تحلیلی بر نقش جایگزینی سوخت فسیلی در رفاه نسبی زنان عشایر کشور، همایش ملی ساماندهی جامعه عشایری ایران، تهران.
- رضائی‌فر، ب. (۱۳۹۳). بررسی مردم‌شناختی دامداری سنتی در پارس‌آباد مغان (مطالعه موردی زیست‌بوم فتحعلی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، گروه اجتماعی، ۱۶۹.
- رضوی، س. م. (۱۳۸۱). بررسی اقتصادی مهم‌ترین سوخت‌های مصرفی عشایر شهرستان سمنان، جهاد، سال ۲۲، شماره ۲۵۵.
- خالقی عقیل و سیدنظری مریم. ۱۴۰۱. تحلیل پژوهش‌های علمی در حوزه جغرافیای کوچ‌نشینی: مطالعه علم سنجی. مجله مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان. دوره و شماره: دوره ۲، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳. ص ۳۹-۵۲
- خداری غریب و ند حجت اله، طهماسبی پژمان، قهساره اردستانی الهام، بدری پورحسین، اسدی اسماعیل. ۱۴۰۱. تغییرات جمعیتی و تحولات معیشتی بهره‌برداران مرتعی در ایران با تاکید بر قلمرو عشایری، بازفت، استان چهارمحال و بختیاری (بخش دوم). مجله مطالعات

برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان. دوره و شماره: دوره ۲، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳. ص ۱-۱۲.

سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۸۴). جایگاه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عشایر کشور. تهران: سازمان امور عشایر ایران.

سالم، ج. (۱۳۸۷). تاثیر خشک‌سالی بر فرآیند زندگی عشایری طایفه طاهری در حوزه شهرستان طبس، فصلنامه روستایی و توسعه، شماره ۴، صفحات ۸۹-۱۲۴.

شکور، ع.، شمس‌الدینی، ع.، حیدری، ا. و واحدپور، غ. (۱۳۹۵). ضرورت توسعه پایدار در مناطق عشایری استان فارس، فصلنامه علمی - پژوهشی، نگرش نو در جغرافیای انسانی، سال ۶، شماره ۳.

صفی‌نژاد، ج. (۱۳۸۱). لرهای ایران، تهران

طرفی‌منیشدی، ح. (۱۳۹۶). نقش ساختار محیطی کشور بر فعالیت‌های عشایری با تاکید بر دام (محدوده مورد مطالعه: استان خوزستان). چهارمین کنفرانس بین‌المللی علوم جغرافیایی، سالن همایش‌های فرهنگیان.

طهماسبی، س.، بدری، س. ع. و رضوانی م. ر. (۱۳۹۴). روند تغییرات معیشتی - زیستی در زیست‌بوم‌های عشایری با رویکرد پایداری محیط (مطالعه موردی: زیست‌بوم طایفه‌ی فارسیمدان، استان فارس)، پایگاه مجلات تخصصی نور، جغرافیا و پایداری محیط، شماره‌ی

۱۷، ص ۸۶-۶۵. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/123264>

فلاح‌تبار، ن. (۱۳۸۹). جهانی‌شدن، صنایع‌دستی عشایر و تأثیرگذاری آن در بقاء و تداوم نظام عشایر، دومین همایش ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، فضای جغرافیایی، رویکرد آمایشی و مدیریت محیط دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.

کرباسی، ع و نیکخواه، ح. (۱۳۸۴). بررسی اقتصاد تولید دام عشایری در استان لرستان.

پنجمین کنفرانس دو سالانه اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.

مشیری، س. ر. و مولایی‌هشجین، ن. (۱۳۸۶). اقتصاد کوچ‌نشینان ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه پیام نور.

میرنسل، ا. (۱۳۸۷). تأثیر پیش‌زمینه‌ی فرهنگی آذربایجان در شکل‌گیری فرم، رنگ و نقوش صنایع‌دستی منطقه. پوستر ارائه شده در همایش راهکارهای توسعه صنایع دستی ایران، تبریز، ۲۶ص.

نواب اکبر، ف.، منفرد، ن. و رضائی، ع. (۱۳۷۹). عوامل موثر بر کمیت و کیفیت تولید صنایع‌دستی (مطالعه موردی: زنان عشایری نیمه اسکان یافته مرندافزار). نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۱، صص ۲۳۵-۲۶۰.

امان الهی، ح. (۱۳۹۷). بررسی علل کاهش قالیبافی عشایر قشقایی در دوره معاصر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران، دانشکده هنرهای کاربردی

نیکخواه، ح. ا. (۱۳۸۸). بررسی اقتصادی تولید دام عشایری در استان لرستان. پایان نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد کشاورزی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، دانشگاه زابل.

Amanullahi, B. (2003) "decline in Iranian nomadic and sedentary tribes of nomads' national studies, Issue I (row 17), Pages 53 .

Arabatzis, G. and Malesios, C. (2011)" An econometric analysis of residential consumption of fuelwood in a mountainous prefecture of Northern Greece. *Energy Poli*, 39: 8088-809

Bhatt, B. P. and Sachan, M. S. (2004) Firewood consumption along an altitudinal gradient in mountain villages of India. *Biomass and Bioenergy*, 27: 69-75 .

Blench, R. (2001)" You Can't Go Home Again'. Pastoralism in the New Millennium London: Overseas Development Institute .

Blench, R. Choman, R. and slaymaker, T. (2003) "A study of the role livestock in poverty reduction stratyegy papers pro-poor livestock policy Initiative, Jornal/ PPLPI working papers NO. i .

Gundimeda, H. and Kohlin, G. (2008) "Fuel demand elasticities for energy and environmental policies: Indian sample survey evidence, *Energy Economics*, 30: 517-546 .

Mohebi, A. (2012) "Analysis of the major problems of Nomads". the first national conference of tribal, order and security, Ardabil, first year, first issue, Ss119-15 .

Scoones, I. (2021). Pastoralists and peasants: perspectives on agrarian change. *The Journal of Peasant Studies*, 48(1), 1-47 .

Pokharel, S. (2007)" An econometric analysis of energy consumption in Nepal. *Energy Policy*, 35: 350-361 .

Shateri, M. and hajipoor, M. (2010) "new approaches in human society Quarterly. Issue II, Ss17-1. Second year (2) .